

# اخلاق در اقتصاد

## اشاره

نخستین همایش علمی "اخلاق در اقتصاد" با مشارکت مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص نظام و انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری، در روزهای چهارشنبه ۲۰ بهمن و پنجشنبه اول اسفند ماه ۱۳۸۷ در محل سالن همایش های مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص نظام برگزار شد.

بنا به گزارش روابط عمومی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، به دنبال تشکیل دبیرخانه دائمی همایش علمی "اخلاق در اقتصاد" در این مرکز، نخستین همایش علمی "اخلاق در اقتصاد" با تأکید بر مبانی نظری و جنبه های کاربردی، به محورهای موضوعی اقتصاد و فلسفه اخلاق، مبانی اخلاقی اندیشه اقتصاد مدرن، اخلاق و توسعه اقتصادی، دولت-اقتصاد و اخلاق، اخلاق در اقتصاد سیاسی، اخلاق در اقتصاد رفاه اجتماعی، اخلاق در اقتصاد بازرگانی، اخلاق در اقتصاد صنعت، اخلاق در اقتصاد انرژی، اخلاق در اقتصاد کشاورزی، اخلاق در اقتصاد سلامت، اخلاق در اقتصاد مسکن و اخلاق در اقتصاد کار پرداخت.

اینک توجه شما را به چکیده سخنرانی سه نفر از شرکت کنندگان در این همایش (دکتر حسن روحانی، دکتر منوچهر عسگری و دکتر سروش دباغ) جلب می کنیم.

## بانک و اقتصاد

### ضربه زدن به اخلاق در اقتصاد

مگر با تعطیل شوراهای قانونی، از جمله شورای پول و اعتبار، می توان در غیاب آن، درباره سود منابع بانکی تصمیم گیری و در این منابع که حق مردم است، تصرف کرد؟ این، خلاف قانون و اخلاق و ضربه به اخلاق در اقتصاد و آینده کشور است.

به گزارش ایلنا، حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی، رئیس مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام، در همایش اخلاق در اقتصاد گفت: باید بدانیم انتقاد، دولت ها را تقویت می کند و اگر ما انتقاد نکردیم، دولت به سرایشی می رود. پس برای نجات دولت ها باید انتقاد کرد و حرف زد، اما به محض این که می گوئیم چرا...؟ می گویند انتقاد نکنید که دولت تضعیف می شود.

روحانی با بیان اینکه اگر جلوی آزادی نظر، عقیده و بیان را گرفتیم، به اخلاق، اقتصاد و سیاست ضربه وارد کرده ایم، گفت: متأسفانه گاهی دولت مداخلاتی در اقتصاد می کند که بدون تخصص، بدون توجه به نظرات متخصصان و بدون استفاده از کارشناسان مربوطه است. این مسأله، هم به اقتصاد ضربه می زند و هم به قدرت ملی، نظام اسلامی و انقلاب اسلامی ضربه وارد می کند.

وی با طرح این پرسش که مگر می توان ارزش پول ملی را دستوری حل کرد؟ ادامه داد: مگر با حذف یک صفر، دو صفر و سه صفر ارزش پول ملی درست می شود؟ مگر با

تعطیل شوراهای قانونی، از جمله شورای پول و اعتبار، می توان در غیاب آن درباره سود منابع بانکی تصمیم گیری و در این منابع که حق مردم است، تصرف کرد؟ این، خلاف قانون و اخلاق و ضربه به اخلاق، اقتصاد و آینده کشور است. رئیس مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام خاطر نشان کرد: نبود شفافیت و خدای ناکرده اطلاع رسانی غلط و ناصحیح است که به اخلاق و اقتصاد ضربه وارد می کند. گاهی انسان نمی داند به کدام آمار مراجعه کند، چون مثلاً مسوولی درباره این که چند هزار مگاو در عرض دو یا سه سال گذشته به ظرفیت نیروگاهی اضافه شده، یک آمار می دهد؛ معاون وی آمار دیگری می دهد؛ وزیر نیرو آمار سومی ارائه می دهد و کارشناسان وزارتخانه آمار چهارمی می دهند. به هر حال، اگر اعتماد مردم به آمار و سخنان مسوولان زیر سوال برود، افراد بر مبنای چه اطلاعاتی به دنبال سرمایه گذاری باشند؟

روحانی با بیان این که فاصله گرفتن اقتصاد از اخلاق، به ویژه زمانی که اخلاق با سیاست گره بخورد، بسیار می تواند خطر آفرین باشد، افزود: مثلاً ممکن است بنگاه اقتصادی آرای مردم را با پولش بخرد، نماینده ای را خلق کند و یا نماینده ای را با پولش بخرد که خوشبختانه ما این مسأله را در کشورمان نداریم.

وی تأکید کرد: زمانی که اقتصاد با اخلاق و سیاست گره می خورد، دیگر این معادله یک مجهولی نیست، بلکه یک



وام‌ها معوق شد و خانه‌ها به مصادره رفت.

چندانی بین اقتصاد و اخلاق قایل بود. نماینده مردم تهران در مجلس خبرگان رهبری، در ادامه با بیان این که اخلاق تسهیل کننده حرکت‌های اقتصادی است، اظهار کرد: البته بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی با انگیزه های اخلاقی صورت می‌گیرد، مثل وقف، فعالیت صندوق‌های اعانه و صندوق‌های قرض الحسنه. هم چنین اگر فعالیت اقتصادی بر این مبنا باشد که کشور به خودکفایی حداقلی در کالاهای استراتژیک برسد، این حرکت ضمن این که اقتصادی است، می‌تواند اخلاقی هم باشد. پس اخلاق و اقتصاد آن قدرها هم از یکدیگر دور نیستند.

روحانی در عین حال با اشاره به ناسازگاری اقتصاد و اخلاق در برخی از زمینه‌ها، یادآور شد: اقتصاد غایتگرا و به دنبال سود، جمع‌آوری ثروت و منافع فردی است، در حالی که اخلاق به دنبال ایثار، سخاوت، توزیع ثروت و دیگر خواهی است. اقتصاد می‌گوید من علم هستم و می‌خواهم دنیا را آن چنان که هست، ببینم و اخلاق می‌گوید می‌خواهم دنیا را آن طور که باید، ببینم. به هر حال، علی‌رغم تنیدگی بین اخلاق و اقتصاد، گاهی فاصله و حتی تضاد هم بین آنها به وجود می‌آید.

رییس مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام، تأکید کرد: امروز در بحث کشاورزی، بیوتکنولوژی یا فرآوری محصولات تراریخته می‌گویند محصول با دوام و بدون آفتی را می‌توانند در اختیار ما بگذارند، اما عده‌ای دخالت انسان در طبیعت را مشکل‌زا می‌دانند. اینجا اخلاق ممکن است در کنار مخالفان این فناوری قرار گیرد؛ یا در قانون کار که یکی از راه‌های توسعه است، ممکن است کسی این قانون را مخالف توسعه بداند و فرد دیگری بگوید این قانون حامی و پشتیبان کارگر است. اینجا تضاد بین اهم یا

معادله چند وجهی است. وقتی در این شرایط، اخلاق از اقتصاد و سیاست فاصله می‌گیرد، ویرانگر هویت و آینده یک ملت است و اخلاق کبیر باید در اینجا وارد شود.

نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی، تصریح کرد: شاید فکر کنیم اخلاق و اقتصاد متضاد و متناقض یکدیگرند: اقتصاد علمی است که به مادیات و ثروت می‌اندیشد، اخلاق هم علمی است که به فضایل و کرامت انسانی نگاه می‌کند، اما اگر اقتصاد را علم مطالعه رفتار انسان اقتصادی تفسیر کنیم، چالشی که پیش روی این علم است، شبیه علوم انسانی است و نه علوم طبیعی.

وی افزود: گاهی اعمال اقتصادی که انجام می‌دهیم، اعمال اخلاقی است و شاید انگیزه اخلاقی داشته باشد، مثلاً کسی که به کار می‌پردازد تا زندگی عزتمند داشته باشد و خانواده‌اش در رفاه باشند، همچنین در بخشی از مباحث اقتصادی مسایل دیگری مثل نیروی کار، مدیریت و سیاستمدارانی را داریم که اقتصاد را سیاستگذاری یا هدایت می‌کنند. این‌ها همه بحث‌های اقتصادی است که مباحث حقوقی و اخلاقی هم با آن توأم هستند.

رییس مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام، با بیان این که سیستم‌های اقتصادی در چارچوب اخلاق معمولاً راحت‌تر می‌توانند عمل کنند، گفت: برخی اندیشمندان اقتصادی گفته‌اند علم اقتصاد از خلا بزرگی رنج می‌برد و آن جدایی از اخلاق است، به قولی می‌گویند اقتصاد به ما می‌گوید چگونه باید زندگی کرد، پس نمی‌تواند از اخلاق جدا باشد. آدام اسمیت، پدر علم اقتصاد، پیش از آن که اقتصاددان باشد، مدرس اخلاق بوده و اقتصاد را جزیی از علوم اخلاقی تفسیر می‌کند و می‌گوید نمی‌توان تنافر



## تعیین نرخ سود بدون شورای پول و اعتبار، تصرف در حق مردم است.

اخلاق در اقتصاد، ریشه بحران مالی اخیر آمریکا را یک مسأله اخلاقی اعلام کرد.

به گزارش خبرنگار اقتصادی ایسنا، دکتر منوچهر عسگری در تشریح چگونگی وقوع بحران مالی اخیر در آمریکا، با تأکید بر اینکه وقوع این بحران حاصل وقوع بی‌اخلاقی در اقتصاد آمریکا بود، گفت: در سال ۱۹۹۹ شرکت‌های اینترنتی این کشور ورشکسته شدند، نرخ بهره کاهش یافت و دولت برای اینکه از رکود اقتصادی جلوگیری کند، باعث رونق بازار مسکن شد. در سال ۲۰۰۴ بازار مسکن در حال رونق بود و تقریباً اشباع شد، به طوری که همه کسانی که می‌توانستند خانه بخرند، صاحب خانه شدند و مازاد مسکن در این کشور به وجود آمد.

وی با بیان اینکه دولت برای فروش خانه‌های باقی‌مانده، به دنبال راه حل جدیدی بود، گفت: خانواده‌های کم‌درآمد که توانایی پرداخت پول برای خرید خانه نداشتند، از طریق دولت صاحب خانه شدند. شرکتی در کالیفرنیا مقادیر زیادی وام با نرخ بهره حدود پنج درصد که سه تا چهار درصد بیش از نرخ بهره عادی بود، به مردم کم‌درآمد برای خرید خانه پرداخت کرد. سپس بانک‌های سرمایه‌گذاری وام‌های در دست مردم را به اوراق بهادار تبدیل کردند و به این شکل، بازار دست دومی در حوزه مسکن ایجاد شد. او سپس با اشاره به اینکه این اوراق بهادار اعتبار خوبی نداشتند، افزود: به این طریق، با بیمه وام‌ها، مشروعیتی برای آنها ایجاد شد. اقتصاد آمریکا در این وضعیت در حال رونق بود که دولت برای جلوگیری از افزایش تورم، نرخ بهره را کاهش داد.

وی در ادامه با اشاره به اینکه افراد کم‌درآمد که در ابتدا باید چیزی حدود ۱۰۰۰ دلار در ماه به عنوان قسط مسکن پرداخت می‌کردند، در اقتصاد بحران زده آمریکا به پرداخت

مهم و یا تضاد بین اخلاق صغیر و کبیر به وجود می‌آید. روحانی اظهار کرد: در بحث اخلاق و اقتصاد این مسأله جایی اهمیت پیدا می‌کند که به دولت برسیم، به ویژه در کشورهایی که بخش بزرگ اقتصاد آن در اختیار دولت است و مهم است که دولت چه می‌کند. تورم ممکن است از یک نگاه بحثی اقتصادی باشد، اما از نگاهی دیگر فشاری است که به زندگی مردم وارد می‌شود و بدین ترتیب، مالیات نانوشتنه نامصوبی است که به گردن مردم می‌افتد.

رییس مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام، ضمن انتقاد از وضعیت تورمی کشور، گفت: وقتی تورم ۲۵/۹ درصد می‌شود، این یعنی ۲۶ درصد به پول جیب مردم مالیات بسته‌ایم، آن هم به صورت غیر مصوب و غیر شفاف؛ در این صورت، تورم از منظر اخلاقی فشار زیادی بر مردم وارد می‌کند و تفکیک قوا را زیر سوال می‌برد، چرا که دولت خودش قانونگذاری می‌کند و مالیات بر جیب مردم قرار می‌دهد که این در تضاد با اخلاق است.

روحانی در ادامه با تأکید بر مصرف درست نفت و حساب ذخیره ارزی اضافه کرد: البته دولت حق دارد نوع ثروت را تغییر دهد و نفت را به دارایی‌های حقیقی دیگر تبدیل کند، اما نمی‌تواند ثروت متعلق به نسل‌های آینده را مصرف کند، برای همین است که در دنیا این ثروت‌ها در صندوق ریخته می‌شود و ناظران سختی بالای سر آن قرار دارند، حتی گاهی نظارت عامه هم در این باره وجود دارد و هرگونه برداشت از این حساب باید به اطلاع مردم برسد.

## ریشه بحران مالی اخیر آمریکا، یک مسأله اخلاقی است

استاد گروه اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی در همایش



## احداث یک اتوبان از میان جنگل، یک تعارض اخلاقی در یک اقدام اقتصادی است.

کردن یک اتوبان که می‌تواند تسهیلات زیادی برای مردم و دولت ایجاد کند و راه‌های طولانی را کوتاه کند، از میان یک جنگل که مستلزم تخریب محیط زیست است، یک تعارض اخلاقی در یک اقدام اقتصادی است.

وی افزود: وقتی یک سازمان به دلایل مختلف می‌خواهد نیروهای خود را تعدیل کند، از طرفی، به اقدامی اقتصادی، یعنی بقای سازمان خود می‌اندیشد، اما از سویی، با اخراج کارکنان، باعث آزار آنها و خانواده‌هایشان می‌شود. همچنین وقتی دولت می‌خواهد با یارانه‌ای کردن کالاها، عدالت را در میان افراد برقرار کند، به نوعی جلوی توسعه کشور را می‌گیرد. دباغ با بیان اینکه انسان‌ها در چنین تعارضاتی میان اخلاق و اقتصاد، به انتخاب یکی از این دو الزام دارند، گفت: برای اتخاذ تصمیم در چنین مواقعی، گریزی از نظریه‌های اخلاق هنجاری نیست.

او ادامه داد: از یک موضع، با نگاه وظیفه‌گرا و التزام به وظایف اخلاقی و عقلانی سروکار داریم و با این نگاه به آثار اعمال هیچ توجهی نمی‌شود و فقط وظیفه اخلاقی و عقلانی مهم است. در موضع دیگر که نتیجه‌گرایانه است، کار متضمن سود بیشتر و کمینه کردن درد و رنج است. در واقع، در ابتدای امر تعارض اخلاقی در چنین مواقعی مشاهده می‌شود.

او با تأکید بر اینکه اخلاق مورد توجه "راس" بهتر می‌تواند به شهادهای اخلاقی متعارف که کثرت‌گرایانه است، بینجامد، افزود: تنها با فایده‌گرایی نمی‌توان به نتیجه رسید و در عین حال، به نتیجه هم نگاه کرد. وی وفاداری، مهربانی، عدالت، بهبود نفس، جبران، سپاسگزاری و اخلاق را وظایفی انسانی می‌داند که می‌تواند در ساخت هدف‌ها، شاخص‌ها و محدودیت‌ها به رفع تعارضات اخلاقی کمک کند و انسان از طریق آن می‌تواند تصمیم‌موجه‌تری را اتخاذ کند.

ماهانه ۴۰۰۰ دلار برای قسط مسکن مجبور شدند، گفت: در چنین شرایطی، وام‌ها معوق شد و خانه‌ها به مصادره درآمد، فشار نقدینگی در کشور ایجاد و به بحران مالی منجر شد.

او سپس به جنبه‌های غیراخلاقی بحران مالی آمریکا اشاره کرد و گفت: دولت به کسانی وام داد که توانایی پرداخت حتی یک قسط را هم نداشتند، کسانی با درآمد سالانه ۱۴ هزار دلار به سراغ خانه‌های ۷۰۰ هزار دلاری رفتند که البته دولت در این زمینه برای چنین افرادی یک تا دو سال معافیت از پرداخت اقساط قایل شد.

او ادامه داد: بنگاه‌های معاملات ملک که پیش از اضافه‌آمدن خانه‌های موجود در کشور، حتی به خریداران کم‌درآمد نگاه هم نمی‌کردند، در چنین شرایطی، به در خانه افراد رفته و از آنها می‌خواستند که خانه بخرند.

وی در پایان گفت: به نظر می‌رسد که وجود چنین روابط و اقدامات غیراخلاقی در اقتصاد آمریکا، بیش از هر چیز دیگری به وقوع بحران مالی منجر شد.

## تعارضات اخلاقی در تصمیم‌گیری اقتصادی

به گزارش ایسنا، عضو گروه فلسفه مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران نیز در این همایش با بیان اینکه موضوع اخلاق در اقتصاد، یک شاخه از اخلاق کاربردی است، گفت: به همان اندازه که می‌توان از اخلاق در سیاست، پزشکی و اجتماع صحبت کرد، می‌توان از اخلاق در اقتصاد هم سراغ گرفت.

دکتر سروش دباغ که با عنوان "تأملی پیرامون تعارضات اخلاقی در تصمیم‌گیری اقتصادی" سخنرانی می‌کرد، با بیان اینکه در دنیای واقعی، انسان با اصناف مختلف مسایل اقتصادی و تعارضات مربوط به آن حوزه سروکار دارد، با ذکر مثال‌هایی در این رابطه گفت: عبور